

مسئولیت حرفه‌ای وکیل در عصر هوش مصنوعی: تحلیلی بر دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۲۷۹ شعبه اول دادگاه عمومی

حقوقی تاکستان

چکیده

ورود هوش مصنوعی مولد به عرصه خدمات حقوقی، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در خصوص مسئولیت حرفه‌ای و اخلاق قضایی ایجاد کرده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه موردی یک دادنامه نوآورانه صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تاکستان، به بررسی این چالش‌ها از ابعاد حقوقی، روانشناختی و فناورانه می‌پردازد. در این پرونده، استناد وکیل به یک رأی وحدت رویه جعلی که توسط هوش مصنوعی تولید شده بود، مبنای تحلیلی عمیق از سوی دادگاه قرار گرفت. این مقاله ضمن تحلیل ساختار شکلی ستودنی رأی، به نقد استدلال‌های ماهوی قاضی و رویکرد «کنشگرانه» او در مواجهه با خلأ تقنینی می‌پردازد. یافته‌های اصلی تحقیق نشان می‌دهد که خطای وکیل، علاوه بر قصور حرفه‌ای، ریشه در سوگیری‌های شناختی مانند «سوگیری اتوماسیون» و «اثر دانینگ-کروگر» دارد. بر این اساس، استدلال می‌شود که مسئولیت وکیل در عصر دیجیتال، از «تعهد به یافتن اطلاعات» به «تعهد به تضمین صحت اطلاعات» از طریق راستی‌آزمایی دقیق، منتقل شده است. این پژوهش با نگاهی آینده‌پژوهانه و راه‌حل-محور، چارچوبی پیشگیرانه را در دو سطح ارائه می‌دهد: نخست، راهکارهای فناورانه مانند توسعه «هوش مصنوعی حقوقی تخصصی» و «قابل توضیح» و دوم، راهکارهای تقنینی-نهادی شامل اصلاح نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای وکالت و تبیین مسئولیت مدنی طراحان هوش مصنوعی. این مقاله تلاش دارد تا با ارائه یک تحلیل جامع، به استفاده امن و مسئولانه از این فناوری در راستای تحقق عدالت کمک نماید.

واژگان کلیدی

هوش مصنوعی، مسئولیت حرفه‌ای وکیل، استناد قضایی، رویه قضایی، اخلاق حرفه‌ای، راستی‌آزمایی

مشخصات رأی (بدون تجدیدنظر)

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۲۷۹

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

خواسته: مطالبه ی اجرت المثل ایام زوجیت

خواهان: خانم ز.ح

مرجع رسیدگی کننده: شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان

خلاصه گردشکار و رأی پرونده کلاسه ۰۴۰۰۶۰۹

در تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۹، خواهان، خانم زهرا... دادخواستی به خواسته «مطالبه اجرت المثل ایام زوجیت» به طرفیت خوانده، آقای...، به دادگستری شهرستان تاکستان تقدیم نمود. خواهان در دادخواست خود مدعی بود که در طول بیش از سی سال زندگی مشترک، اموری فراتر از وظایف شرعی خود از جمله آشپزی، نظافت و مشارکت در امور باغداری خوانده را به انجام رسانده و بر این اساس، مستحق دریافت اجرت المثل است.

پس از ارجاع امر به شورای حل اختلاف و عدم حصول صلح و سازش، پرونده جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تاکستان ارجاع گردید. نقطه عطف رسیدگی در جلسه دادرسی مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ رقم خورد. دادگاه در جهت احراز ارکان استحقاق خواهان، از وی در خصوص قصد او در زمان انجام امور منزل سؤال نمود. خواهان در پاسخ صراحتاً اقرار نمود که: «آن زمان چنین قصدی نداشته اما اکنون به دلیل رفتارهای ناشایست زوج... تصمیم به مطالبه اجرت المثل گرفته است». علی‌رغم اقرار صریح موکل، وکیل محترم خواهان با استناد به ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده، تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی و یک «رأی وحدت رویه ادعایی به شماره ۷/۴۱۱۶ مورخ ۱۳۷۶/۰۶/۲۰»، بر استحقاق موکل خود اصرار ورزید و مدعی شد امور محوله به دستور زوج و بدون قصد تبرع صورت گرفته است.

دادگاه نهایتاً با صدور دادنامه، دعوی خواهان را مردود اعلام و حکم به بی‌حقی وی صادر نمود. مبانی اصلی استدلال دادگاه به شرح ذیل بود: کفایت اقرار خواهان: دادگاه با استناد به تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، اقرار صریح خواهان مبنی بر «عدم قصد دریافت وجه در زمان انجام کار» را دلیل قاطع بر وجود «قصد تبرع» تلقی نمود. بر این اساس، یکی از ارکان اساسی دعوا مفقود بوده و دعوا از این حیث فاقد وجاهت قانونی تشخیص داده شد.

عدم اعتبار مستند وکیل و تذکر قضایی: دادگاه پس از بررسی، اعلام نمود که رأی وحدت رویه مورد استناد وکیل، اساساً وجود خارجی ندارد و محتوای ارائه شده، محصول خطای هوش مصنوعی مولد گوگل جمینی^۱ بوده است. قاضی در بخش تفصیلی رأی، ضمن تقدیر از نوآوری وکیل، به صورت مستدل و آموزشی تأکید نمود که خروجی‌های هوش مصنوعی صرفاً «جنبه پیشنهاد» داشته و مسئولیت نهایی «راستی‌آزمایی» و اعتبارسنجی منابع، مطلقاً بر عهده کاربر انسانی (وکیل) است و استناد به محتوای خلاف واقع، تخطی از اصول حرفه‌ای وکالت محسوب می‌گردد.

^۱ Gemini

تحولات فناورانه در دهه‌های اخیر، تمامی شئون حیات فردی و اجتماعی بشر را دگرگون ساخته و حرفه حقوق نیز از این قاعده مستثنا نبوده است (موسوی، ۱۴۰۰: ۲۵). گذار از سامانه‌های سنتی بایگانی به پایگاه‌های داده حقوقی و اکنون، ظهور ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی مولد، که قادر به پردازش سریع داده‌ها، تحلیل متون حقوقی و حتی تولید پیش‌نویس لوایح و قراردادهای هستند، چشم‌اندازی نوین را فراروی وکلا و قضات گشوده است (رستمی و تقی‌پور، ۱۴۰۳: ۱۱۲). این تحول البته یک‌شبه رخ نداده است. تاریخ تعامل حقوق و فناوری، مسیری تدریجی را از دیجیتالی شدن اسناد و ظهور پایگاه‌های داده حقوقی مانند لکسی‌نکس‌یز^۲ در دهه ۱۹۷۰ تا به امروز طی کرده است. اما آنچه امروزه با آن مواجهیم، یک جهش کیفی است. هوش مصنوعی مولد، برخلاف ابزارهای پیشین که صرفاً به «جستجو» و «بازیابی» اطلاعات می‌پرداختند، اکنون در مقام «خلق» و «ترکیب» محتوای حقوقی برآمده است (طباطبایی و امینی، ۱۴۰۴: ۲۰۳). این ابزارها دیگر فقط دستیار پژوهشی نیستند، بلکه به یک «همکار ترکیبی»^۳ تبدیل شده‌اند که می‌توانند در تدوین استراتژی دفاعی و نگارش متون حقوقی مشارکت کنند. تمایز میان انواع هوش مصنوعی، از جمله «هوش مصنوعی تحلیلی» که به پیش‌بینی نتایج پرونده‌ها کمک می‌کند و «هوش مصنوعی مولد» که محتوای جدید تولید می‌کند، در درک دقیق چالش‌های پیش رو ضروری است. پرونده مورد تحلیل در این مقاله، دقیقاً با نوع دوم، یعنی هوش مصنوعی مولد و خطاهای ذاتی آن، سروکار دارد. بی‌تردید فناوری‌ها می‌توانند به افزایش کارایی و دقت در امور حقوقی یاری رسانند، اما در عین حال، چالش‌های جدی و جدیدی را در زمینه اعتبار منابع، مسئولیت حرفه‌ای و اخلاق قضایی به وجود آورده‌اند (صادقی و فتاحی‌فر، ۱۴۰۱: ۸۸). ماهیت «جعبه سیاه» برخی از این الگوریتم‌ها و دشواری درک منطق تصمیم‌گیری آن‌ها، در کنار پدیده «توهم الگوریتمی» یا تولید اطلاعات خلاف واقع با ظاهری موجه، مخاطراتی را به همراه دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن‌ها عبور کرد (عمانی سامانی، ۱۴۰۲: ۵۴). این چالش البته مختص نظام حقوقی ایران نیست و به یک دغدغه جهانی در میان حقوقدانان تبدیل شده است. در نظام‌های حقوقی دیگر نیز موارد مشابهی از خطای وکلا در اثر اعتماد به هوش مصنوعی گزارش شده است که مشهورترین آن‌ها، پرونده «ماتا علیه آویانکا» در ایالات متحده آمریکا است که در آن، دو وکیل به دلیل استناد به شش پرونده قضایی کاملاً جعلی که توسط چت جی پی تی^۴ ساخته شده بود، توسط دادگاه جریمه شدند. این امر نشان می‌دهد که اصول بنیادین مسئولیت حرفه‌ای وکیل، از جمله تعهد به ارائه اطلاعات صحیح به دادگاه که از ارکان قرارداد وکالت محسوب می‌شود (شهیدی، ۱۳۹۶: ۸۸)، در تمامی نظام‌های حقوقی یکسان است و فناوری نمی‌تواند این تعهدات را زایل کند. در واقع، استخوان‌بندی اصلی این مسئولیت‌ها بر پایه اصول کلی حقوقی استوار است که در نظام‌های حقوقی مختلف مورد پذیرش قرار گرفته‌اند (هاشمی، ۱۳۹۴: ۷۵).

² LexisNexis

³ Synthetic Partner

⁴ ChatGPT

در این میان، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها به مسئولیت وکیل در قبال استفاده از محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی بازمی‌گردد. اگر وکیل با اتکا به اطلاعات نادرست یا جعلی که توسط یک الگوریتم هوشمند ارائه شده، دفاعیه‌ای را تنظیم کند و این امر منجر به گمراهی دادگاه یا تضییع حقوق موکل شود، مسئولیت این خطا بر عهده کیست؟ آیا می‌توان صرفاً پلتفرم فناوریانه را مقصر دانست یا مسئولیت نهایی همچنان بر دوش کاربر انسانی است؟ این پرسش‌ها صرفاً جنبه نظری ندارند، بلکه با توجه به دسترسی آسان و استفاده روزافزون جامعه حقوقی از این ابزارها، ابعاد کاملاً عملی یافته‌اند. فقدان قوانین مدون و رویه قضایی مشخص در این زمینه، یک خلأ مقرراتی ایجاد کرده و ضرورت تحلیل و بررسی عمیق موضوع را دوچندان می‌کند. بی‌توجهی به این امر می‌تواند به تزلزل در اعتماد عمومی نسبت به نهاد وکالت و نظام قضایی منجر شود. (اکبری، ۱۴۰۱: ۱۷۰) اخیراً، دادنامه صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تاکستان، به عنوان یکی از نخستین نمونه‌های مواجهه نظام قضایی ایران با این پدیده، توجه جامعه حقوقی را به خود جلب کرده است. در این پرونده، وکیل خواهان به رأی وحدت رویه‌ای استناد می‌کند که اساساً وجود خارجی نداشته و به نظر می‌رسد محصول خطای یک سامانه هوش مصنوعی بوده است. قاضی دادگاه، فراتر از رسیدگی به ماهیت دعوا که مطالبه اجرت‌المثل ایام زوجیت بود، در بخش تحلیل حقوقی رأی به تفصیل به این موضوع پرداخته و ضمن ارائه رهنمودهایی، حدود مسئولیت وکیل را تبیین نموده است. این رأی از آن جهت حائز اهمیت است که صرفاً یک واکنش سلبی به فناوری نیست، بلکه با رویکردی متعادل، ضمن تقدیر از نوآوری، بر اصول بنیادین اخلاق حرفه‌ای وکالت پای فشرده است (درویش زاده، ۱۴۰۴، ۱۰۸). بنابراین، این پژوهش در صدد است تا با تحلیل ابعاد مختلف این رأی پیشگام، به پرسش‌های اصلی تحقیق پاسخ دهد: حدود مسئولیت حرفه‌ای وکیل در استفاده از منابع تولید شده توسط هوش مصنوعی چیست؟ رویکرد صحیح نظام قضایی در مواجهه با این استنادات چگونه باید باشد و دادنامه مورد تحلیل، چه الگویی در این زمینه ارائه می‌دهد؟ این مقاله در بخش نخست، به تحلیل نوآوری‌های شکلی و ساختاری رأی می‌پردازد. در بخش دوم، استدلال‌های ماهوی قاضی، از جمله ورود به مباحث تحلیل اقتصادی و فلسفی، مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. بخش سوم و هسته اصلی نوشتار، به تبیین مسئولیت وکیل در راستی‌آزمایی منابع و استخراج اصول راهنما از دل رأی اختصاص دارد. در نهایت، با ارائه یک جمع‌بندی، تلاش می‌شود تا چارچوبی برای استفاده مسئولانه از این فناوری در حرفه وکالت پیشنهاد گردد.

۱. تحلیل شکلی و نوآوری‌های ساختاری دادنامه

یکی از وجوه تمایز دادنامه حاضر که آن را از آرای قضایی متداول متمایز می‌سازد، ساختار و چینش منطقی و همچنین لحن اخلاق‌مدارانه و آموزشی آن است. قاضی صادرکننده رأی، از چارچوب سنتی انشای رأی فراتر رفته و با بخش‌بندی دقیق و ارائه تحلیل‌های فراتر از ماهیت دعوا، به رأی خود عمق و غنای بیشتری بخشیده است. این رویکرد نه تنها به فهم بهتر استدلال‌های دادگاه کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده دغدغه‌مندی قاضی نسبت به مسائل نوپدید در نظام قضایی است. در ادامه، این نوآوری‌ها در سه محور اصلی بررسی می‌شوند.

۱-۱. ساختار سه‌بخشی و افزایش شفافیت رأی

برخلاف بسیاری از آرای قضایی که در آن‌ها تفکیک روشنی میان گردشکار، استدلال‌ات طرفین و تحلیل دادگاه وجود ندارد، رأی مورد بحث از یک ساختار سه‌بخشی منسجم پیروی می‌کند: «بخش اول: وقایع زمینه‌ای قضیه»، «بخش دوم: تحلیل حقوقی قضیه» و «بخش سوم: نتیجه و منطوق رأی». «این شیوه نگارش، که شباهت بسیاری به ساختار مقالات علمی دارد، موجب افزایش چشمگیر شفافیت و قابلیت فهم رأی برای اصحاب دعوا، وکلا و پژوهشگران حقوقی می‌شود (شمس، ۱۳۹۸/۱: ۴۵۰). در بخش «وقایع زمینه‌ای»، دادگاه به جای اکتفا به رونوشت دادخواست و لوایح، گزارشی جامع و پیوسته از سیر پرونده و ادعاهای طرفین ارائه می‌دهد. این امر به خواننده کمک می‌کند تا پیش از ورود به مباحث حقوقی، تصویری کامل از موضوع داشته باشد. مهم‌ترین نوآوری در این بخش‌بندی، تفکیک «تحلیل حقوقی قضیه» از صرفاً نقل استدلال‌ات است. قاضی در این بخش، به صورت فعالانه به ارزیابی ادله و دفاعیات پرداخته و استنتاج خود را به صورت مستدل بیان می‌کند. این رویکرد، حق دسترسی به یک رأی مدلل^۵ را که از اصول دادرسی منصفانه است، به بهترین شکل تأمین می‌کند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۳۲۰) و رأی را از یک تصمیم صرفاً انشایی، به یک سند تحلیلی و حقوقی ارتقاء می‌دهد.

۱-۲. لحن آموزشی و تذکر اخلاق‌مدارانه

نقطه عطف رأی، نحوه مواجهه دادگاه با خطای وکیل در استناد به منبع تولید شده توسط هوش مصنوعی است. قاضی به جای اتخاذ رویکردی توییخی یا انتظامی، با لحنی کاملاً حرفه‌ای و آموزشی، به این مسئله می‌پردازد. دادگاه با اشاره به اینکه «توجه وکیل محترم خواهان به ظرفیت‌های هوش مصنوعی در جمع‌آوری و ارائه داده‌های حقوقی، نشانه‌ای مثبت از پویایی و روزآمدی وی در بهره‌گیری از ابزارهای نوین است که شایسته تقدیر است»، ابتدا جنبه مثبت ماجرا را مورد تأکید قرار می‌دهد. این برخورد هوشمندانه، زمینه را برای پذیرش تذکرات بعدی فراهم می‌سازد. دادگاه سپس با تشریح سازوکار هوش مصنوعی مولد و احتمال خطای آن، به وکیل و به تبع آن، به کل جامعه حقوقی یادآوری می‌کند که مسئولیت نهایی راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی منابع، تحت هیچ شرایطی از دوش کاربر انسانی برداشته نمی‌شود (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۵). این رویکرد آموزشی، رأی را به یک منبع راهنما برای اخلاق حرفه‌ای در عصر دیجیتال تبدیل کرده است. دادگاه با این کار، نقشی فراتر از یک فصل‌کننده خصومت ایفا کرده و به ارتقاء دانش و فرهنگ حرفه‌ای جامعه حقوقی یاری رسانده است. گنجاندن «توصیه پایانی» در انتهای رأی که زوجین را به صلح و سازش دعوت می‌کند نیز نمونه دیگری از همین نگاه اخلاق‌مدارانه است که تلاش دارد تا حتی پس از صدور رأی، به ترمیم روابط انسانی کمک کند.

⁵ Right to a Reasoned Judgment

۱-۳. مقایسه پژوهش حقوقی سنتی و پژوهش مبتنی بر هوش مصنوعی

چالش پیش آمده در این پرونده، به خوبی تفاوت‌ها و مسئولیت‌های مترتب بر دو شیوه پژوهش حقوقی را آشکار می‌سازد. در حالی که روش سنتی متکی بر منابع معتبر و اعتبارسنجی شده است، روش مبتنی بر هوش مصنوعی نیازمند یک مرحله حساس و حیاتی «پالایش و اعتبارسنجی» توسط کاربر است. جدول زیر، این تفاوت‌ها را به صورت تطبیقی نشان می‌دهد:

شاخص	پژوهش حقوقی سنتی	پژوهش به کمک هوش مصنوعی
منبع اطلاعات	کتابخانه‌ها، قوانین مدون، آرای وحدت رویه، نظریات مشورتی، پایگاه‌های داده معتبر (مانند سامانه ملی قوانین)	مدل‌های زبانی بزرگ ^۶ ، داده‌های خزش شده از وب، پایگاه‌های داده عمومی و خصوصی
سرعت و کارایی	زمان‌بر، نیازمند جستجوی دستی و مطالعه منابع متعدد (زراعت، ۱۴۰۰: ۱۲۰)	بسیار سریع، قابلیت خلاصه‌سازی و تحلیل حجم عظیمی از داده در چند ثانیه (رستمی و تقی‌پور، ۱۴۰۳: ۱۱۵)
میزان اعتبار	بالا؛ منابع عموماً ویراستاری و اعتبارسنجی شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۴۵)	متغیر؛ ریسک بالای تولید اطلاعات نادرست، جانبدارانه یا غیرواقعی (توهم الگوریتمی) (اکبری، ۱۴۰۱: ۱۷۵)
مسئولیت کاربر	انتخاب منبع معتبر، تفسیر صحیح و استنباط حقوقی (باقری و کریمی، ۱۴۰۰: ۱۳۰)	مهندسی پرسش ^۷ ، راستی‌آزمایی دقیق خروجی، تطبیق با نظام حقوقی داخلی و قضاوت نهایی (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲۰)
آسیب‌ها و مخاطرات	احتمال غفلت از قوانین جدید یا رویه‌های قضایی نوظهور، دسترسی محدود به منابع	استناد به قوانین منسوخ یا آرای قضایی جعلی، نقض حریم خصوصی، تقویت سوگیری‌های موجود در داده‌ها

جدول ۱: مقایسه تطبیقی شیوه‌های پژوهش حقوقی

این جدول نشان می‌دهد که هوش مصنوعی، علی‌رغم تمام مزایای خود، یک «دستیار پژوهشی» است نه یک «مرجع حقوقی». مسئولیت نهایی تحلیل، انتخاب و استناد به هر منبعی، همچنان به عنوان یکی از اصول بنیادین حرفه وکالت، بر عهده وکیل دادگستری باقی می‌ماند.

⁶ LLMs

⁷ Prompt

۴-۱. اصول اخلاق قضایی در مواجهه با فناوری و خطا

علاوه بر تحلیل رفتار وکیل، بررسی رویکرد قاضی در این پرونده نیز از منظر اصول اخلاق حرفه‌ای قضات حائز اهمیت است. این رأی نشان می‌دهد که یک قاضی در عصر فناوری، علاوه بر وظیفه رسیدگی، مسئولیت‌های جدیدی در حوزه آموزش و ایجاد رویه بر عهده دارد. رویه‌های قضایی پیشین نیز همواره بر لزوم رفتار شایسته و صدور رأی مستدل تأکید داشته‌اند (رضایی، ۱۳۹۹: ۹۰). جدول زیر، برخی از این اصول را با تطبیق بر رأی مورد تحلیل، استخراج و تبیین می‌کند:

تجلی در رأی تاکستان	شرح و تبیین	اصل اخلاقی
قاضی با درک صحیح از سازوکار هوش مصنوعی، خطای آن را تشخیص داده و ماهیت «توهم الگوریتمی» را به درستی تحلیل کرده است.	قاضی باید دانش خود را در زمینه‌های نوظهور، از جمله فناوری، به‌روز نگه دارد تا بتواند تصمیمات آگاهانه اتخاذ کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ذیل واژه قضاوت).	اصل صلاحیت و دانش قضایی
لحن رأی در خطاب به وکیل کاملاً آموزشی است و با تقدیر اولیه، زمینه را برای پذیرش تذکر حرفه‌ای فراهم می‌کند.	قاضی در جایگاه رفیع خود، وظیفه دارد در صورت مشاهده خطا، به جای توبیخ، رویکردی آموزشی برای ارتقاء دانش اصحاب دعوا و وکلا اتخاذ کند. (حبیب‌زاده و یآوری، ۱۴۰۲: ۲۰۵)	اصل رفتار آموزشی و ارشادی
دادگاه صرفاً به رد استناد وکیل اکتفا نکرده، بلکه چارچوبی برای استفاده مسئولانه از این ابزارها در آینده ارائه داده است.	رأی قضایی نباید صرفاً به حل یک اختلاف محدود شود، بلکه باید در موارد نوپدید، به ایجاد رویه و ارائه راهکار برای آینده کمک کند. (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۱)	اصل آینده‌نگری قضایی
قاضی به صراحت اذعان می‌کند که در ابتدا دچار تردید شده، اما با تفحص و بررسی، استقلال خود را حفظ و عدم صحت منبع را کشف کرده است.	قاضی نباید مرعوب ظاهر موجه و فناورانه استنادات شود و باید با استقلال کامل، صحت و اعتبار هر دلیل را بررسی کند. آیین دادرسی نیز بر همین استقلال تأکید دارد (سنگلجی، ۱۳۷۹: ۱۸۰).	اصل استقلال و عدم تأثیرپذیری

جدول ۲: اصول اخلاق قضایی در عصر فناوری (با تطبیق بر رأی مورد تحلیل)

۲. نقد و بررسی استدلال‌های ماهوی دادگاه

با وجود تمام نوآوری‌های شکلی و نکات مثبتی که در مبحث پیشین به آن‌ها پرداخته شد، استدلال‌های ماهوی دادگاه در بخش «تحلیل حقوقی قضیه» خالی از اشکال نیست. به نظر می‌رسد دادگاه در حالی که می‌توانسته با اتکا به دلایل متقن و

روشن حقوقی به صدور رأی مبادرت ورزد، به حوزه‌هایی ورود کرده که جایگاه آن‌ها به عنوان مستند مستقیم رأی قضایی، محل تردید جدی است. این امر هرچند ممکن است به غنای ادبی رأی افزوده باشد، اما از منظر استحکام حقوقی، انتقاداتی را متوجه آن می‌سازد.

۲-۱. کفایت «اقرار» به عنوان دلیل قاطع دعوا

در نظام ادله اثبات دعوی ایران، اقرار به عنوان «سید الأدلّه» (ملکه دلایل) شناخته می‌شود و از چنان اعتباری برخوردار است که می‌تواند به تنهایی سرنوشت یک دعوا را مشخص سازد (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۱۵؛ دیانی، ۱۳۹۵: ۷۸). قاعده فقهی «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» نیز بر همین اعتبار تأکید دارد (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در پرونده حاضر، خواهان (زوجه) در جلسه دادرسی صراحتاً اظهار داشته است که در طول زندگی مشترک و در حین انجام امور منزل، «قصد دریافت اجرت نداشته» و تصمیم فعلی او برای مطالبه، ناشی از اختلافات بعدی با زوج است. این گفته، مصداق بارز اقرار به «قصد تبرع» است که یکی از ارکان اساسی دعوی اجرت‌المثل را زایل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۵۵). مطابق تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی، شرط اصلی استحقاق زوجه، انجام امور «بدون قصد تبرع» است. بنابراین، اقرار صریح خواهان به وجود این قصد، به تنهایی کافی بود تا دادگاه با استناد به همین دلیل، حکم به بی‌حقی وی صادر نماید (محمودی، ۱۳۹۷: ۹۴؛ زرکلام، ۱۳۹۸: ۶۰). با وجود چنین دلیل قاطعی، به نظر می‌رسد ورود دادگاه به تحلیل‌های مطول اقتصادی، فرهنگی و فلسفی، ضرورتی نداشته و نوعی اطناپ غیرمفید در استدلال قضایی محسوب می‌شود. رأی می‌توانست با ایجاز و استحکام بیشتری، تنها بر همین محور استوار گردد.

۲-۲. چالش مشروعیت استناد به مبانی غیرحقوقی

جدی‌ترین نقد وارد بر رأی، استفاده دادگاه از مبانی و تحلیل‌هایی است که در سلسله مراتب منابع حقوقی ایران جایگاه مشخصی ندارند. اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، تکلیف قضات را در صورت سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین، روشن ساخته و ایشان را به «منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر» و «اصول حقوقی» که مغایر با موازین شرع نباشد، ارجاع می‌دهند (محمودی، ۱۳۹۴: ۲۰۲). در رأی مورد بحث، به سختی می‌توان تحلیل‌های اقتصادی، فرهنگی و فلسفی دادگاه را ذیل یکی از این عناوین جای داد.

۲-۲-۱. تحلیل اقتصادی حقوق؛ ابزاری پژوهشی یا مستند قضایی؟

دادگاه در بخشی از رأی، با اتکا به این رویکرد بیان می‌دارد: «پذیرش بی‌ضابطه‌ی اجرت‌المثل منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه، افزایش قراردادگرایی، بی‌اعتمادی در روابط زوجین و هزینه‌های پنهان در امر ازدواج خواهد شد». البته باید اذعان کرد که تحلیل اقتصادی حقوق به عنوان یک مکتب فکری مهم، به دنبال ارزیابی کارایی قواعد حقوقی است و طرفداران آن معتقدند که تصمیمات قضایی باید به سمت حداکثر کردن ثروت و کارایی اجتماعی سوق داده شود (بادینی و گرجی ازندریانی، ۱۳۹۷: ۳۵). از این منظر، شاید بتوان استدلال دادگاه را تلاشی برای جلوگیری از هزینه‌های مبادلاتی (Transaction Costs) بالا در نهاد خانواده دانست. با این حال، این رویکرد با چند چالش اساسی روبروست. نخست آنکه، همانطور که اشاره شد، در نظام حقوقی ایران فاقد جایگاه به عنوان منبع مستقل صدور رأی است. دوم آنکه، این تحلیل ذاتاً تقلیل‌گراست و ارزش‌های غیرقابل محاسبه مادی مانند عشق، فداکاری و اعتماد را که شاکله اصلی نهاد خانواده است، نادیده می‌گیرد یا کم‌اهمیت جلوه می‌دهد (خزایی، ۱۳۹۹: ۸۸). سوم و مهم‌تر از همه، این تحلیل‌ها اغلب بر مفروضات و مدل‌سازی‌هایی استوارند که می‌توان نتایج معکوس نیز از آن‌ها استخراج کرد. برای مثال، یک اقتصاددان دیگر می‌تواند استدلال کند که عدم حمایت از کار خانگی زن و به رسمیت نشناختن ارزش اقتصادی آن، با کاهش «انگیزه» او برای سرمایه‌گذاری انسانی در خانواده، در بلندمدت به «ناکارآمدی» بیشتر این نهاد منجر می‌شود. لذا، اتکای رأی قضایی به چنین مبانی غیرقطعی و قابل مناقشه‌ای، می‌تواند استحکام آن را تضعیف کند.

۲-۲-۲. فرهنگ و جایگاه زن؛ عرف مسلم یا برداشت شخصی؟

رأی در قسمت دیگری به «فرهنگ ایرانی-اسلامی» و جایگاه زن به عنوان «شریک زندگی و محور مهر» استناد کرده و اقدامات او را امری تبریعی و فاقد انتظار مالی تلقی نموده است. هرچند «عرف» به عنوان یکی از منابع حقوق شناخته می‌شود (غمامی و عابدی، ۱۳۹۹: ۱۶۰)، اما استناد به یک مفهوم کلی و انتزاعی مانند «فرهنگ» می‌تواند خطرناک باشد. فرهنگ، امری پویا، چندلایه و گاه متناقض است و این پرسش مطرح می‌شود که کدام قرائت از فرهنگ ایرانی-اسلامی مبنای رأی قرار گرفته است؟ آیا این برداشت، تنها دیدگاه موجود است یا می‌توان تفاسیر دیگری نیز ارائه داد که بر استقلال مالی و حقوقی زن تأکید بیشتری دارند؟ (عبدی‌پور فرد و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۰). استناد به چنین مفاهیمی، این خطر را به همراه دارد که برداشت شخصی قاضی از فرهنگ، جایگزین استناد به قواعد مسلم حقوقی شود. باید میان «عرف» به عنوان یک منبع حقوقی و «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم عام جامعه‌شناختی تمایز قائل شد. عرف حقوقی، دارای دو عنصر مادی (تکرار یک عمل) و معنوی (الزام‌آور دانستن آن) است و باید به اثبات برسد (غمامی و عابدی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). اما استناد کلی به «فرهنگ ایرانی-اسلامی» بدون مشخص کردن اینکه کدام بخش از این فرهنگ وسیع و متکثر، واجد ویژگی‌های

یک عرف مسلم حقوقی است، بیشتر از یک استدلال حقوقی متقن به استدلال شخصی و مبتنی بر ارزش‌های فردی شباهت دارد.

۲-۲-۳. فلسفه و زیبایی‌شناسی؛ خروج از دایره تخصص؟

در نهایت، دادگاه با ورود به حوزه «فلسفه اجتماعی و زیبایی‌شناسی»، نهاد خانواده را «مجموعه‌ای از روابط انسانی غیر قابل تقویم» توصیف می‌کند. این استدلال نیز هرچند در جای خود قابل تأمل است، اما این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا مقام قضایی، در جایگاه یک فیلسوف یا جامعه‌شناس قرار دارد؟ (کاتوزیان، ۲/۱۳۹۷: ۲۵). تخصص یک قاضی در علم حقوق است و انتظار می‌رود که آرای خود را بر پایه‌های حقوقی استوار سازد. توسل به مفاهیم فلسفی و زیبایی‌شناختی، هرچند با نیت خیرخواهانه برای حفظ کرامت نهاد خانواده صورت گرفته باشد، می‌تواند مرز میان رأی قضایی و یک مقاله تحلیلی-اجتماعی را کمرنگ کرده و به اعتبار رأی به عنوان یک سند متقن حقوقی، لطمه وارد کند. «دادگاه با ورود به این حوزه، استدلال می‌کند: «نهاد خانواده از منظر فلسفه اجتماعی و زیبایی‌شناسی مجموعه‌ای از روابط انسانی غیر قابل تقویم است... حقوق نیز نباید در چنین مواردی مداخله مزدی داشته باشد». این استدلال هرچند با مبانی فلسفه حقوق بی‌ارتباط نیست (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۸۱)، اما توسل به مفاهیم فلسفی و زیبایی‌شناختی، هرچند با نیت خیرخواهانه برای حفظ کرامت نهاد خانواده صورت گرفته باشد، می‌تواند مرز میان رأی قضایی و یک مقاله تحلیلی-اجتماعی را کمرنگ کرده و به اعتبار رأی به عنوان یک سند متقن حقوقی، لطمه وارد کند. به نظر می‌رسد این بخش از استدلال، بیش از آنکه کارکرد حقوقی داشته باشد، با هدف اقناع عمومی و رسانه‌ای شدن رأی انشا شده است. در نگاهی کلان‌تر، رویکرد قاضی در این رأی، نمونه‌ای برجسته از «کنشگری قضایی»^۸ در مقابل «انفعال قضایی»^۹ است. او صرفاً به حل پرونده بر اساس قوانین موجود و دلایل صریح اکتفا نکرده (رویکرد انفعالی)، بلکه تلاش کرده است تا با ورود به حوزه‌های فلسفی، فرهنگی و فناورانه، یک هنجار اجتماعی را تبیین و یک رویه قضایی برای آینده بسازد. هرچند این رویکرد کنشگرانه می‌تواند به پویایی نظام حقوقی و انطباق آن با تحولات روز کمک شایانی کند، اما منتقدان معتقدند که این امر مرز میان «قضاوت» و «قانون‌گذاری» را کمرنگ کرده و می‌تواند به قیمت کاهش قطعیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری آرای قضایی تمام شود. اینکه آیا چنین کنشگری در مواجهه با یک خلأ قانونی (مانند هوش مصنوعی) پسندیده است یا خیر، خود موضوع بحث‌های عمیق در فلسفه حقوق است.

⁸ Judicial Activism

⁹ Judicial Restraint

۳. تبیین مسئولیت حرفه‌ای وکیل در مواجهه با هوش مصنوعی

پس از تحلیل ساختار و نقد محتوای رأی، اکنون به مهم‌ترین جنبه آن می‌پردازیم؛ جنبه‌ای که این دادنامه را به یک سند راهبردی در حوزه حقوق و فناوری تبدیل کرده است. واکنش دادگاه به استناد وکیل به یک منبع غیرواقعی تولید شده توسط هوش مصنوعی، فرصتی برای بازخوانی و تأکید بر اصول بنیادین مسئولیت حرفه‌ای وکالت در پارادایم جدید فناوری فراهم آورده است.

۳-۱. ماهیت خطای وکیل

خطای وکیل در این پرونده، صرفاً یک اشتباه در ذکر شماره یا تاریخ یک رأی وحدت رویه نبود، بلکه استناد به یک «موجود حقوقی ناموجود» بود. رأی وحدت رویه شماره ۴۱۱۶۷ مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۷۶ که در جلسه دادرسی با قاطعیت به آن استناد و تصاویری از آن ارائه شد، اساساً وجود خارجی نداشت و محصولی از پدیده «توهم الگوریتمی»^{۱۰} در هوش مصنوعی مولد بود (عمانی سامانی، ۱۴۰۲: ۵۶). خطر اصلی این پدیده در آن است که اطلاعات نادرست را در قالبی کاملاً موجه، با ساختاری حقوقی و با لحنی متقن ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که حتی ممکن است یک حقوقدان باتجربه را نیز در نگاه اول دچار تردید سازد، چنانکه خود قاضی نیز در رأی به این تردید اولیه اذعان می‌کند. اعتماد وکیل به این خروجی و ارائه آن به دادگاه بدون انجام فرایند «راستی‌آزمایی»^{۱۱} از طریق منابع اولیه و معتبر (مانند مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور یا پایگاه‌های اطلاعاتی رسمی)، مصداق بارز قصور و نقض وظیفه مراقبت و حسن رفتار حرفه‌ای است (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۵۴). این خطا نشان می‌دهد که سرعت و سهولت دسترسی به اطلاعات که توسط هوش مصنوعی فراهم می‌شود، نباید جایگزین دقت و مسئولیتی شود که جزء لاینفک حرفه وکالت است.

۳-۲. تحلیل مسئولیت وکیل از منظر دادگاه

دادگاه در تحلیل این خطا، رویکردی دقیق و آینده‌نگرانه اتخاذ می‌کند. قاضی به درستی میان «ابزار» و «مرجع» تمایز قائل می‌شود و تأکید می‌کند که هوش مصنوعی، هر قدر هم که پیشرفته باشد، در نظام حقوقی کنونی تنها یک ابزار کمکی است و نه یک مرجع قابل استناد. رأی به صراحت بیان می‌دارد که داده‌های تولید شده توسط این سامانه‌ها «تنها جنبه پیشنهاد دارند» و اعتباربخشی و اعمال آن‌ها در فرایند قضایی، «منوط به تأیید کاربر انسانی است». «دادگاه در ادامه با نگاهی واقع‌بینانه می‌افزاید که «حداقل در شرایط کنونی هیچ ابزار فناورانه‌ای نمی‌تواند جایگزین تحلیل و تفکر انسانی، آموزش

¹⁰ Hallucination

¹¹ Verification

انسانی حقوقی منسجم و تجربه میدانی قضات و وکلا گردد». این تحلیل، مسئولیت را به طور کامل متوجه کاربر نهایی، یعنی وکیل، می‌داند. این تحلیل، مسئولیت را به طور کامل متوجه کاربر نهایی، یعنی وکیل، می‌داند. همان‌گونه که یک وکیل مسئولیت صحت مطالبی که از یک کارآموز یا دستیار حقوقی دریافت می‌کند را بر عهده دارد، در قبال اطلاعات دریافتی از یک دستیار هوشمند نیز مسئولیت تام دارد. این دیدگاه با مبانی مسئولیت مدنی و انتظامی وکلا کاملاً سازگار است (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۱: ۹۸). وکیل دادگستری به موجب سوگندی که یاد می‌کند و تعهدات حرفه‌ای خود، مکلف است پیش از ارائه هرگونه سند، دلیل یا استدلال به دادگاه، از اصالت و صحت آن اطمینان حاصل کند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۴۸). ارجاع دادگاه به ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی نحوه استفاده از فناوری‌های نوین در فرایندهای قضایی نیز مؤید همین اصل است که نظارت و مسئولیت انسانی، شرط لازم برای بهره‌گیری از این فناوری‌هاست.

۳-۳. پیامدهای خطا و چارچوبی برای استفاده مسئولانه

ورود اطلاعات نادرست به فرایند دادرسی، ولو به صورت سهوی، پیامدهای زیان‌باری در پی دارد. این پیامدها از تضعیف پرونده موکل و اتلاف وقت دادگاه فراتر رفته و می‌تواند به فرسایش اعتماد عمومی به کل نظام حقوقی منجر شود (Black & Henderson, 2023: 112). با توجه به آنچه در رأی مورد تحلیل و مبانی حقوقی بیان شد، می‌توان چارچوب اولیه‌ای از اصول اخلاقی و حرفه‌ای برای استفاده وکلا از هوش مصنوعی ارائه داد:

(۱) اصل عدم اتکای مطلق^{۱۲}: وکیل باید هرگونه خروجی هوش مصنوعی را به طور پیش‌فرض، غیرقابل اعتماد تلقی کند، مگر آنکه صحت آن از طریق منابع دیگر اثبات شود. این اصل بر پایه یک «شکاکیت حرفه‌ای سالم» استوار است (Goodman, 2022: 78).

(۲) اصل راستی‌آزمایی انسانی^{۱۳}: استناد به هرگونه داده حقوقی که توسط هوش مصنوعی پیشنهاد می‌شود، باید الزاماً با منبع اولیه و اصلی آن تطبیق داده شود. این وظیفه، هسته اصلی نظارت انسانی بر هوش مصنوعی است (Arbel & Lev, 2024: 350).

(۳) اصل مسئولیت نهایی کاربر^{۱۴}: وکیل دادگستری مسئولیت کامل و نهایی تمام محتوایی که به دادگاه ارائه می‌دهد را بر عهده دارد و نمی‌تواند با استناد به خطای الگوریتم، از خود سلب مسئولیت کند (Lin & Abney, 2023: 205).

¹² Assumption of Unreliability

¹³ Mandatory Human Verification

¹⁴ Final Professional Responsibility

۴) اصل درک محدودیت‌های ابزار^{۱۵}: وکیل مکلف است تا حد امکان با نحوه کارکرد، قابلیت‌ها و به‌ویژه محدودیت‌های ابزار هوش مصنوعی که از آن استفاده می‌کند، آشنا باشد تا بتواند با دیدی انتقادی با خروجی‌های آن مواجه شود (Surden, 2024: 30).

رعایت این اصول می‌تواند ضمن بهره‌مندی از مزایای انکارناپذیر فناوری، جامعه حقوقی را از خطرات و لغزش‌های ناشی از اعتماد بی‌چون‌وچرا به آن مصون دارد.

۳-۴. راهکارهای نظام‌های حقوقی خارجی در مواجهه با خطای وکیل ناشی از هوش مصنوعی

چالش مطرح شده در رأی تاکستان، یک مسئله جهانی است. نظام حقوقی کامن‌لا، به دلیل ماهیت رویه‌ای خود، سریع‌تر با این پدیده مواجه شده و واکنش نشان داده است. در پرونده مشهور *Mata v. Avianca, Inc* در سال ۲۰۲۳، دادگاه منطقه‌ای نیویورک، دو وکیل را به دلیل ارائه لایحه‌ای حاوی استناد به شش پرونده کاملاً ساختگی که توسط چت جی‌پی‌تی تولید شده بود، به پرداخت ۵۰۰۰ دلار جریمه محکوم کرد (Choi & Zarrow, 2023: 115). قاضی در رأی خود به شدت از این اقدام انتقاد کرد و آن را «اقدام با سوءنیت» و «نقض بنیادین تعهدات وکیل نسبت به دادگاه» دانست. این پرونده و موارد مشابه دیگر، باعث شد تا نهادهای متولی حرفه وکالت، از جمله کانون وکلای آمریکا (ABA)، به سرعت وارد عمل شوند. این نهاد با انتشار دستورالعمل‌های متعدد، تأکید کرده است که استفاده از هوش مصنوعی، تعهدات بنیادین وکیل از جمله «تعهد به صلاحیت^{۱۶}» و «تعهد به صداقت با دادگاه^{۱۷}» را تغییر نمی‌دهد (American Bar Association, 2023). وکیل مکلف است پیش از استفاده از هر ابزار هوش مصنوعی، از قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن آگاه باشد و مهم‌تر از آن، تمام خروجی‌های آن را پیش از ارائه به دادگاه، به دقت راستی‌آزمایی کند. رویه‌های قضایی اخیر نیز این رویکرد را تأیید می‌کنند (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۶۰۶۰۰۷۹۲، مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۸؛ رأی وحدت رویه شماره ۶۳۳). در نظام حقوقی انگلستان نیز، «انجمن حقوقی انگلستان و ولز^{۱۸}» با انتشار راهنماهایی، بر لزوم نظارت انسانی و مسئولیت‌پذیری وکلا در استفاده از هوش مصنوعی تأکید کرده و به خطرات مرتبط با حفظ محرمانگی اطلاعات موکل در این پلتفرم‌ها هشدار داده است (The Law Society of England and Wales, 2023). مقایسه این رویکردها با رأی دادگاه تاکستان نشان می‌دهد که اصول حاکم بر مسئولیت حرفه‌ای وکیل در این زمینه، در نظام‌های حقوقی مختلف به یکدیگر نزدیک است و بر محور «مسئولیت

¹⁵ Understanding the Limitations

¹⁶ duty of competence

¹⁷ duty of candor

¹⁸ The Law Society of England and Wales

نهایی کاربر انسانی» استوار است. این مقایسه نشان می‌دهد که راهکار ارائه شده در رأی مورد تحلیل، با استانداردهای جهانی نیز همخوانی دارد.

۳-۵. ابعاد روانشناختی و سوگیری‌های شناختی در اعتماد به هوش مصنوعی

تحلیل خطای وکیل در این پرونده بدون درک ابعاد روانشناختی اعتماد انسان به فناوری، ناقص خواهد بود. چرا یک حقوقدان حرفه‌ای به خروجی یک الگوریتم اعتماد می‌کند، حتی اگر با دانش حقوقی او در تعارض باشد؟ پاسخ را می‌توان در حوزه سوگیری‌های شناختی جستجو کرد. مهم‌ترین سوگیری در این زمینه، «سوگیری اتوماسیون»^{۱۹} است؛ یعنی تمایل انسان به اعتماد بیش از حد به سیستم‌های خودکار و نادیده گرفتن اطلاعات متناقضی که از منابع غیرخودکار (از جمله حافظه و دانش خود فرد) به دست می‌آید (Kahneman & Sibony, 2021: 95). این سوگیری باعث می‌شود که کاربر، خروجی سیستم را حتی اگر اشتباه باشد، صحیح‌تر از قضاوت انسانی خود بداند. عامل دیگر، «اثر هاله‌ای فناوری»^{۲۰} است. ارائه اطلاعات در یک قالب فناورانه، ساختارمند و با ظاهری موجه، هاله‌ای از اعتبار و دقت علمی پیرامون آن ایجاد می‌کند که باعث می‌شود فرد در ارزیابی انتقادی محتوای آن، دچار تساهل شود. هوش مصنوعی مولد با تولید متونی که از نظر سبک و ساختار کاملاً شبیه به متون حقوقی واقعی هستند، این اثر هاله‌ای را به شدت تقویت می‌کند. در پرونده تاکستان، به نظر می‌رسد وکیل محترم نیز تحت تأثیر این سوگیری‌ها قرار گرفته است. ارائه یک رأی وحدت رویه با شماره، تاریخ و متنی حقوقی، آنچنان معتبر به نظر رسیده که مکانیزم‌های دفاعی و انتقادی ذهن او را غیرفعال کرده و او را از انجام بدیهی‌ترین وظیفه خود، یعنی تطبیق استناد با منبع اصلی، بازداشته است.

تحلیل روانشناختی، اهمیت توصیه‌های دادگاه و چارچوب ارائه شده در بخش قبل را دوچندان می‌کند. اصول چهارگانه‌ای مانند «عدم اتکای مطلق» و «راستی‌آزمایی انسانی» در واقع راهکارهایی برای مقابله با همین سوگیری‌های شناختی هستند. این اصول از وکیل می‌خواهند که به صورت «آگاهانه» و «فعالانه» با تمایل طبیعی خود به اعتماد به فناوری مقابله کند و همواره قضاوت و تحلیل انسانی را در رأس فرایند تصمیم‌گیری قرار دهد. بنابراین، آموزش وکلا نباید صرفاً به جنبه‌های فنی استفاده از هوش مصنوعی محدود شود، بلکه باید شامل آگاهی‌بخشی در خصوص این دام‌های روانشناختی نیز باشد تا بتوانند به صورت مسلح و منتقدانه از این ابزارهای قدرتمند استفاده کنند. در کنار سوگیری اتوماسیون، می‌توان به «اثر دانیگ-کروگر»^{۲۱} در حوزه فناوری نیز اشاره کرد. این اثر توضیح می‌دهد که چگونه افرادی با دانش اندک در یک

¹⁹ Automation Bias

²⁰ Halo Effect of Technology

²¹ Dunning-Kruger Effect

حوزه (مانند فناوری)، تمایل دارند توانایی خود را بسیار بیشتر از حد واقعی ارزیابی کنند (Kruger & Dunning, 1999: 1121). یک وکیل ممکن است صرفاً به دلیل توانایی در کار با چند ابزار ساده، خود را در استفاده از هوش مصنوعی کاملاً مسلط بداند و همین اعتماد به نفس کاذب، او را از درک ریسک‌ها و انجام بررسی‌های دقیق باز دارد. این امر، ضرورت آموزش‌های عمیق و ساختاریافته را که فراتر از کاربری ساده ابزارها باشد، برای وکلا دوچندان می‌سازد و نشان می‌دهد که «صلاحیت فناورانه» باید به عنوان بخشی از صلاحیت حرفه‌ای وکلا در عصر جدید تعریف شود.

۴. راهکارهای پیشگیرانه؛ از فناوری تا تقنین

تحلیل مسئولیت وکیل و ریشه‌های خطای او گام نخست است، اما برای جلوگیری از تکرار چنین وقایعی زیان‌باری در آینده، باید رویکردی پیشگیرانه و راه‌حل‌محور اتخاذ کرد. این راهکارها را می‌توان در دو حوزه اصلی «فناورانه» و «تقنینی-نهادی» دسته‌بندی نمود.

۴-۱. راهکارهای فناورانه و تکنولوژیک

بخشی از راه‌حل مقابله با خطاهای هوش مصنوعی، در خود فناوری نهفته است. به جای تقابل با فناوری، باید به سمت توسعه و استفاده از ابزارهای هوشمندتر و مسئولیت‌پذیرتر حرکت کرد:

(۱) هوش مصنوعی حقوقی تخصصی^{۲۲}: برخلاف مدل‌های زبان بزرگ عمومی که بر روی کل دیتای اینترنت آموزش دیده‌اند، پلتفرم‌های هوش مصنوعی تخصصی در حال توسعه هستند که صرفاً بر روی مجموعه داده‌های حقوقی معتبر (متن کامل قوانین، آرای قضایی، کتب و مقالات حقوقی طبقه‌بندی شده) آموزش می‌بینند. این رویکرد هدفمند، ریسک «توهم الگوریتمی» و ارائه استنادات جعلی را به شدت کاهش می‌دهد، زیرا مدل صرفاً در محدوده داده‌های معتبر خود عمل می‌کند (Lodge & Wegrich, 2022: 55). ترویج و استفاده از این ابزارهای تخصصی به جای مدل‌های عمومی، اولین گام در کاهش خطا است.

(۲) هوش مصنوعی قابل توضیح^{۲۳}: یکی از بزرگترین چالش‌های هوش مصنوعی، ماهیت «جعبه سیاه» آن است. هوش مصنوعی قابل توضیح، پارادایم جدیدی است که در آن، سیستم نه تنها پاسخ را ارائه می‌دهد، بلکه «مسیر استدلالی» و «منابعی» که برای رسیدن به آن پاسخ استفاده کرده را نیز به صورت شفاف برای کاربر نمایش می‌دهد (Zhong & Dell, 2024: 212).. برای مثال، یک سیستم XAI در کنار پیشنهاد یک ماده قانونی، لینک مستقیم به آن ماده در سامانه

²² Legal-Specific AI

²³ Explainable AI - XAI

ملی قوانین و مقررات و چند نمونه از آرای قضایی مرتبط با آن را نیز ارائه می‌دهد. این شفافیت، به وکیل در فرایند راستی‌آزمایی کمک شایانی می‌کند.

(۳) ابزارهای اعتبارسنجی خودکار: می‌توان افزونه‌ها یا ابزارهایی را برای نرم‌افزارهای واژه‌پرداز طراحی کرد که به صورت خودکار، استنادات حقوقی (مانند شماره آراء و مواد قانونی) موجود در متن لایحه را با پایگاه‌های داده رسمی تطبیق داده و موارد مشکوک، نامعتبر یا منسوخ را به وکیل هشدار دهند. چنین ابزاری می‌توانست به سادگی از بروز خطا در پرونده تانکستان جلوگیری کند.

۲-۴. راهکارهای تقنینی و نهادی

فناوری به تنهایی کافی نیست و باید با چارچوب‌های حقوقی و نهادی مستحکم تکمیل شود:

(۱) اصلاح آیین‌نامه‌های وکالت: پیشنهاد می‌شود کانون‌های وکلای دادگستری، «نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای وکلا» را با افزودن فصلی در خصوص «تعهدات وکیل در استفاده از فناوری‌های نوین» به‌روزرسانی کنند. می‌توان ماده‌ای با مضمون زیر پیشنهاد داد: «وکیل دادگستری در استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی برای امور حرفه‌ای، مکلف است با آگاهی از محدودیت‌های این ابزارها، صحت و اعتبار کلیه خروجی‌ها، اعم از متون، استدلال‌ها و استنادات را پیش از ارائه به مراجع قضایی یا طرف مقابل، از طریق منابع معتبر و اصیل، شخصاً راستی‌آزمایی نماید. مسئولیت نهایی هرگونه محتوای ارائه شده، مطلقاً بر عهده وکیل است.»

(۲) مسئولیت مدنی طراحان هوش مصنوعی: بحث مسئولیت مدنی شرکت‌های سازنده هوش مصنوعی یکی از پیچیده‌ترین مباحث حقوقی روز است. اگر یک پلتفرم هوش مصنوعی که به صورت تجاری و با ادعای ارائه خدمات حقوقی دقیق به فروش می‌رسد، اطلاعات غلطی ارائه دهد که منجر به خسارت شود، آیا می‌توان شرکت سازنده را مسئول دانست؟ بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی و با در نظر گرفتن اینکه این شرکت‌ها محصولی را به بازار عرضه کرده‌اند که می‌تواند معیوب باشد (عیب در طراحی الگوریتم)، می‌توان مبنایی برای مسئولیت آن‌ها یافت. البته این شرکت‌ها معمولاً در «شرایط استفاده از خدمات» خود، هرگونه مسئولیتی را سلب می‌کنند، اما اعتبار چنین شروطی در برابر حقوق مصرف‌کننده و نظم عمومی قابل بحث است. ایجاد رویه قضایی در این زمینه می‌تواند شرکت‌ها را به توسعه محصولات دقیق‌تر و مسئولیت‌پذیرتر ترغیب کند.

۳) چالش‌های ادله الکترونیک: استناد به خروجی هوش مصنوعی، نظام ادله اثبات دعوا را نیز به چالش می‌کشد. در وضعیت فعلی، خروجی هوش مصنوعی فاقد جایگاه به عنوان یکی از ادله قانونی (مانند اقرار یا سند رسمی) است. اما آیا می‌توان آن را تحت شرایطی به عنوان یک «اماره قضایی» که برای قاضی علم‌آور باشد، در نظر گرفت؟ پاسخ به این پرسش به عواملی چون میزان شفافیت (XAI)، دقت و اعتبار پلتفرم مورد استفاده بستگی دارد. به نظر می‌رسد تا زمان بلوغ کامل این فناوری و تدوین مقررات مشخص، خروجی هوش مصنوعی صرفاً می‌تواند به عنوان یک «قرینه» در کنار سایر ادله مورد توجه قرار گیرد و نه بیشتر.

نتیجه‌گیری

دادنامه شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تاکستان، فراتر از یک رأی قضایی در یک پرونده متعارف، به مثابه یک سند راهبردی، نقاب از چالش‌های عمیق حقوقی، اخلاقی و فناورانه‌ای برمی‌دارد که هوش مصنوعی پیش روی حرفه وکالت قرار داده است. این پژوهش با کالبدشکافی ابعاد چندگانه این رأی، نشان داد که این تصمیم قضایی از یک سو در ساختار شکلی و رویکرد آموزشی خود ستودنی است و از سوی دیگر، در ورود به مباحث ماهوی غیرحقوقی و نمایش نوعی «کنشگری قضایی»، قابل نقد و تأمل است. هسته اصلی یافته‌های این تحقیق، تبیین مسئولیت مضاعف و کیل در عصر جدید بود. مشخص شد که این مسئولیت، تکلیفی چندوجهی است که علاوه بر وظیفه حرفه‌ای برای راستی‌آزمایی، نیازمند آگاهی و مقابله فعالانه با دام‌های روانشناختی مانند «سوگیری اتوماسیون» و «اثر دانینگ-کروگر» است. مقایسه با تجربیات بین‌المللی نیز این اصل مشترک و جهانی را تأیید کرد که مسئولیت نهایی، مطلقاً و تحت هر شرایطی بر دوش کاربر انسانی است. اما این مقاله صرفاً به تحلیل مسئله بسنده نکرد و با نگاهی آینده‌پژوهانه در مبحث چهارم، به سوی ارائه راه‌حل حرکت کرد. نشان داده شد که مقابله با این چالش نیازمند یک رویکرد دوگانه است: از یک سو، بهره‌گیری از خود فناوری از طریق توسعه «هوش مصنوعی تخصصی و قابل توضیح» و از سوی دیگر، ایجاد چارچوب‌های مستحکم تقنینی و نهادی. در نهایت، پاسخ جامع به پرسش اصلی پژوهش این است که هوش مصنوعی، پارادایم مسئولیت و کیل را از «تعهد به یافتن اطلاعات» به «تعهد به تضمین صحت اطلاعات» تغییر داده است و موفقیت در این پارادایم جدید، در گرو هم‌افزایی میان آموزش، تقنین و توسعه مسئولانه فناوری خواهد بود. با عنایت به مباحث مطروحه، پیشنهادها مشخص و عملیاتی زیر ارائه می‌گردد:

۱. در حوزه تقنین و مقررات‌گذاری: پیشنهاد می‌شود کارگروهی مشترک با حضور قضات، وکلا و متخصصان فناوری اطلاعات، پیش‌نویس «دستورالعمل نحوه استفاده و استناد به داده‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی در فرایندهای

قضایی» را تدوین نماید. این دستورالعمل باید ضمن تعیین تکلیف جایگاه خروجی AI در نظام ادله اثبات دعوا (حداکثر به عنوان اماره قضایی)، بر مسئولیت کامل استنادکننده تأکید ورزد. همچنین توصیه می‌شود «نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای وکلا» با افزودن فصلی تحت عنوان «تعهدات وکیل در استفاده از فناوری‌های نوین» بازنگری شود. در این فصل باید به صراحت بر «تکلیف راستی‌آزمایی منابع دیجیتال» و «حفظ محرمانگی اطلاعات موکل در پلتفرم‌های هوشمند» تأکید گردد.

۲. در حوزه آموزش و پژوهش: پیشنهاد می‌شود رشته-گرایش «حقوق و هوش مصنوعی» در مقاطع تحصیلات تکمیلی ایجاد و سرفصل‌های درسی وکلا و قضات آینده با مباحثی در خصوص سوگیری‌های شناختی در عصر دیجیتال و صلاحیت فناورانه به‌روزرسانی شود. انجام پژوهش‌های تطبیقی و عمیق در خصوص «رژیم حقوقی مسئولیت مدنی طراحان و ارائه‌دهندگان هوش مصنوعی» برای پر کردن خلأ قانونی موجود در این زمینه، امری ضروری است.

منابع

الف) فارسی

اکبری، سعید (۱۴۰۱)، مسئولیت مدنی ناشی از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، رساله برای دریافت درجه دکتری حقوق خصوصی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

امامی، سید حسن (۱۳۹۷)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و هشتم، تهران: انتشارات اسلامی.

بادینی، حسن و علی‌اکبر گرجی ازندریانی (۱۳۹۷)، «تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۷، شماره ۲۲.

باقری، احمد و سمیه کریمی (۱۴۰۰)، «مبانی و شرایط استحقاق اجرت‌المثل زوجه در فقه امامیه و حقوق ایران»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۶۸.

بهرامی، بهرام (۱۳۹۹)، «اخلاق حرفه‌ای وکالت در ایران: چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه وکیل مدافع، دوره ۹، شماره ۲۴.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ پنجم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

حبیب‌زاده، محمدجعفر و طیبه یآوری (۱۴۰۲)، «مسئولیت انتظامی وکیل دادگستری در فرض تقصیر»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷.

حسینی، سید محمدرضا (۱۳۹۸)، اخلاق و حقوق در حرفه وکالت، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، جلد سوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- خزایی، انسیه (۱۳۹۹)، *درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق خانواده*، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۶۰۶۰۷۹۲، مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۸، صادره از شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- درویش زاده، محمد. (۱۴۰۴). تحول حقوق در پرتو تحول در تکنولوژی قرارداد (موردپژوهی قرارداد الکترونیکی وکالت دادگستری).
دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، ۲(۳)، ۹۰-۱۱۴. [doi: 10.22034/jpl.2025.721258](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.721258)
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۵)، *ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات تدریس.
- رأی وحدت رویه شماره ۶۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۷۸/۰۲/۱۴.
- رستمی، ولی و محمدحسین تقی پور (۱۴۰۳)، «چالش‌های حقوقی استفاده از هوش مصنوعی در نظام قضایی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۴، شماره ۱.
- رضایی، مریم (۱۳۹۹)، *تحلیل انتقادی رویه قضایی در خصوص دعاوی اجرت‌المثل ایام زوجیت*، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، قم: دانشکده حقوق دانشگاه قم.
- زراعت، عباس (۱۴۰۰)، *آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اندیشه.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۸)، «قواعد حاکم بر اقرار در امور مدنی»، *فصلنامه رأی*، دوره ۸، شماره ۲۵.
- سنگلجی، محمد (۱۳۷۹)، *آیین دادرسی در اسلام*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۸)، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، جلد اول، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات دراک.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۶)، *آثار قراردادهای و تعهدات*، چاپ دهم، تهران: انتشارات مجد.
- صادقی، محسن و الهام فتاحی فر (۱۴۰۱)، «تأثیر فناوری‌های نوین بر ادله اثبات دعوا»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، دوره ۲۱، شماره ۴۹.
- صفایی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۴۰۱)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۴)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید محمد صادق و امینی، محمد. (۱۴۰۴). پویایی فقه امامیه در امکان پذیرش «شخصیت حقوقی» برای هوش مصنوعی.
دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، ۲(۳)، ۱۸۳-۲۱۵. [doi: 10.22034/jpl.2025.721261](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.721261)

عبدی‌پور فرد، ابراهیم و فاطمه احمدی (۱۳۹۶)، «اصل تبرع در انجام امور در روابط زوجین»، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دوره ۵، شماره ۲.

عمانی سامانی، رضا (۱۴۰۲)، «هوش مصنوعی مولد و چالش‌های اعتبارسنجی در فرآیند دادرسی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۲.

غمامی، مجید و محمد عابدی (۱۳۹۹)، «جایگاه عرف در تفسیر قراردادها و اعمال حقوقی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۵، قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، «درآمدی بر مبانی فلسفی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۲.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، حقوق مدنی: خانواده، جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷)، فلسفه حقوق، جلد دوم، چاپ دهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵)، قواعد فقه: بخش مدنی، جلد اول، چاپ بیست و سوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۴)، مبانی استنباط حقوق اسلامی (اصول فقه)، چاپ بیست و ششم، تهران: دانشگاه تهران.

محمودی، جواد (۱۳۹۷)، «نقد و بررسی ماده ۳۳۶ قانون مدنی و تبصره الحاقی آن»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، شماره ۴.

موسوی، سید علی (۱۴۰۰)، تأثیر فناوری اطلاعات بر آیین دادرسی مدنی ایران، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸)، جرائم علیه اشخاص، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.

هاشمی، سید محمد (۱۳۹۴)، «جایگاه اصول کلی حقوقی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰.

(ب) لاتین

American Bar Association (ABA). (2023). **Resolution 604: Adopting the Model Rules of Professional Conduct on Technology and Globalization**. ABA Publishing.

Arbel, Y., & Lev-Aretz, Y. (2024). «The Duty to Supervise AI». *Vanderbilt Law Review*, 77(2), 345-401.

Black, J., & Henderson, R. (2023). **AI Ethics in the Legal Profession: A Practitioner's Guide**. Oxford University Press.

Choi, J. H., & Zarrow, M. (2023). «"I Object, Your Honor": The Perils of AI Hallucinations in Litigation». **Stanford Technology Law Review**, 26, 112-158.

Cialdini, R. B. (2021). **Influence, New and Expanded: The Psychology of Persuasion**. Harper Business.

Goodman, K. W. (2022). **Ethics and AI: An Introduction**. Cambridge University Press.

Kahneman, D., & Sibony, O. (2021). **Noise: A Flaw in Human Judgment**. Little, Brown Spark.

Kruger, J., & Dunning, D. (1999). «Unskilled and Unaware of It: How Difficulties in Recognizing One's Own Incompetence Lead to Inflated Self-Assessments». **Journal of Personality and Social Psychology**, 77(6), 1121–1134.

Lin, P., & Abney, K. (2023). **Robot Ethics 2.0: From Autonomous Cars to Artificial Intelligence**. Oxford University Press.

Lodge, M., & Wegrich, K. (2022). **The Problem-Solving State: A New Paradigm for Public Administration**. Oxford University Press.

Surden, H. (2024). «Artificial Intelligence and Law: An Overview». **Harvard Journal of Law & Technology**, 37(1), 1-56.

The Law Society of England and Wales. (2023). **Generative AI: Guidance for the Legal Profession**. The Law Society Publishing.

Zhong, V., & Dell, T. (2024). «Explainable AI (XAI) in the Judiciary: A Path to Algorithmic Transparency». **AI & Society**, 39, 211-225.

References

Abdipourfard, Ebrahim and Fatemeh Ahmadi (2017), “The Principle of Donation in Performing Affairs in Spouse Relations”, **Journal of Women and Family Studies**, Volume 5, Issue 2. (in Persian)

Akbari, Saeed (1401), **Civil Liability Arising from Artificial Intelligence Algorithms**, Dissertation for the Doctorate of Private Law, Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University.(in Persian)

American Bar Association (ABA). (2023). **Resolution 604: Adopting the Model Rules of Professional Conduct on Technology and Globalization**. ABA Publishing.

Arbel, Y., & Lev-Aretz, Y. (2024). «The Duty to Supervise AI». **Vanderbilt Law Review**, 77(2), 345-401.

Badini, Hassan and Ali Akbar Gorji Azandriani (2018), “Economic Analysis of Civil Liability”, **Private Law Research Quarterly**, Volume 7, No. 22. (in Persian)

Bagheri, Ahmad and Somayeh Karimi (2019), “The Basics and Conditions of Entitlement to Wife’s Remuneration in Imamiyyah Jurisprudence and Iranian Law”, **Islamic Law Quarterly**, Volume 18, No. 68. (in Persian)

Bahrami, Bahram (2019), "Professional Ethics of Lawyers in Iran: Challenges and Solutions", **Defense Lawyer Quarterly**, Volume 9, No. 24. (in Persian)

Black, J., & Henderson, R. (2023). **AI Ethics in the Legal Profession: A Practitioner's Guide**. Oxford University Press.

Choi, J. H., & Zarrow, M. (2023). «"I Object, Your Honor": The Perils of AI Hallucinations in Litigation». **Stanford Technology Law Review**, 26, 112-158.

Cialdini, R. B. (2021). **Influence, New and Expanded: The Psychology of Persuasion**. Harper Business.

Darvishzadeh, Mohammad. (1404). The evolution of law in light of the evolution of contract (a case study of electronic contract of legal representation). **Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Private Law**, 2(3), 90-114. [doi: 10.22034/jpl.2025.721258](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.721258)(in Persian)

Diani, Abdolrasoul (2016), **Evidence to prove a claim in civil and criminal matters**, 4th edition, Tehran: Tadheed Publications. (in Persian)

Emami, Seyed Hassan (2018), **Civil Law**, Volume 1, 38th Edition, Tehran: Islamieh Publications. (in Persian)

Ghamami, Majid and Mohammad Abdi (2012), "The Place of Custom in the Interpretation of Contracts and Legal Practices", **Legal Research Quarterly**, Issue 85. (in Persian)

Goodman, K. W. (2022). **Ethics and AI: An Introduction**. Cambridge University Press.

Habibzadeh, Mohammad Jafar and Tayyaba Yavari (1402), "The Responsibility of the Attorney's Management in the Case of Fault", **Justice Legal Journal**, Volume 86, Number 117. (in Persian)

Hashemi, Seyed Mohammad (2015), "General Legal Position in the Iranian Legal System", **Quarterly Journal of Legal Principles Research**, Issue 70. (in Persian)

Hilli, Jafar bin Hassan (1408 AH), **Sharia' al-Islam in the Matters of Halal and Haram**, Volume 3, Qom: Ismaili Institute. (in ARABIV)

Hosseini, Seyyed Mohammad Reza (2019), **Ethics and Law in the Legal Profession**, Third Edition, Tehran: Mizan Publishing House. (in Persian)

Jafari Langroodi, Mohammad Jafar (2013), **Detailed in Legal Terminology**, Volume 5, 5th Edition, Tehran: Ganj Danesh Library. (in Persian)

Jafari Langroodi, Mohammad Jafar (2015), **Terminology Law**, 27th edition, Tehran: Ganj Danesh Library. (in Persian)

Judgment No. 9209972160792, dated 05/28/1392, issued by Branch 6 of the Tehran Provincial Court of Appeal. (in Persian)

Kahneman, D., & Sibony, O. (2021). **Noise: A Flaw in Human Judgment**. Little, Brown Spark.

Katouzian, Naser (2017), **Civil Law: Family**, Volume 1, 15th Edition, Tehran: Joint Stock Publishing Company. (in Persian)

Katouzian, Naser (2018), **Philosophy of Law**, Volume 2, 10th Edition, Tehran: Joint Stock Publishing Company. (in Persian)

Katouzian, Naser (2019), **General Rules of Contracts**, Volume 1, 14th Edition, Tehran: Joint Stock Publishing Company. (in Persian)

Katouzian, Naser (2019), **Proof and Proof**, Volume 1, 12th Edition, Tehran: Mizan Publishing Company. (in Persian)

Khazaei, Ansiyah (2019), **An Introduction to the Analysis of Family Economic Rights**, First Edition, Tehran: Majd Publications. (in Persian)

Kruger, J., & Dunning, D. (1999). «Unskilled and Unaware of It: How Difficulties in Recognizing One's Own Incompetence Lead to Inflated Self-Assessments». **Journal of Personality and Social Psychology**, 77(6), 1121–1134.

Lin, P., & Abney, K. (2023). **Robot Ethics 2.0: From Autonomous Cars to Artificial Intelligence**. Oxford University Press.

Lodge, M., & Wegrich, K. (2022). **The Problem-Solving State: A New Paradigm for Public Administration**. Oxford University Press.

Mahmoudi, Javad (2018), “Criticism and Review of Article 336 of the Civil Code and Its Additional Mention”, **Quarterly Journal of Private Law Studies**, Volume 47, Issue 4. (in Persian)

Mirmohammad Sadeghi, Hossein (2019), **Crimes Against the Eye**, 13th edition, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)

Mohaghegh Damad, Seyed Mustafa (2016), **Rules of Jurisprudence: Civil Section**, Volume 1, 23rd Edition, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (in Persian)

Mohammadi, Abolhasan (2015), **Fundamentals of Islamic Law Inference (Principles of Jurisprudence)**, 26th edition, Tehran: University of Tehran. (in Persian)

Mousavi, Seyed Ali (2017), **Information Technology on Iranian Civil Procedure**, Thesis for Master's Degree in Private Law, Tehran: Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaie University. (in Persian)

Omani Samani, Reza (2013), “Generative Artificial Intelligence and Valid Challenges in the Judicial Process”, **Journal of Natural Law**, Volume 14, 2. (in Persian)

Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad (2016), “An Introduction to the Philosophical Foundations of Human Rights”, Law Quarterly, **Journal of the Faculty of Law and Political Sciences**, Volume 46, Issue 2. (in Persian)

Rezaei, Maryam (2019), **Critical analysis of judicial practice regarding claims for the payment of three times the duration of marriage**, Master's thesis for the degree of Master of Law, Qom: Faculty of Law, University of Qom. (in Persian)

Rostami, Vali and Mohammad Hossein Taghipour (2014), "Legal challenges of using artificial intelligence in the public system", **Quarterly Journal of Legal Studies**, Volume 54, No. 1. (in Persian)

Sadeghi, Mohsen and Elham Fattahifar (1401), "The Impact of New Technologies on Evidence to Prove a Claim", **Quarterly Journal of Legal Research**, Volume 21, Number 49. (in Persian)

Safaei, Seyed Hossein and Habibollah Rahimi (1401), **Civil Liability (Requirements Outside the Contract)**, Tenth Edition, Tehran: Samt Publications. (in Persian)

Sangalaji, Mohammad (1379), **Procedure in Islam**, First Edition, Tehran: University of Tehran. (in Persian)

Shahid Mehdi, (1396), **Contracts and Projects**, Tenth Edition, Tehran: Majd Publications. (in Persian)

Shams, Abdullah (1398), **Civil Procedure (Advanced Course)**, Volume 1, Forty-Second Edition, Tehran: Drak Publications. (in Persian)

Surden, H. (2024). «Artificial Intelligence and Law: An Overview». **Harvard Journal of Law & Technology**, 37(1), 1-56.

Tabatabai Moatamani, Manouchehr (2015), **Public Freedom and Human Rights**, 6th edition, Tehran: University of Tehran. (in Persian)

Tabatabai, Seyyed Mohammad Sadeq and Amini, Mohammad . (1404). The Dynamics of Imami Jurisprudence in the Possibility of Accepting "Legal Personality" for Artificial Intelligence. **Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Private Law**, 2(3), 183-215. [doi: 10.22034/jpl.2025.721261](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.721261) (in Persian)

The Law Society of England and Wales. (2023). **Generative AI: Guidance for the Legal Profession**. The Law Society Publishing.

Unanimous ruling No. 633 of the General Board of the Supreme Court, dated 02/14/1999. (in Persian)

Zarkalam, Sattar (1398), "Rules Governing Confession in Civil Affairs", **Quarterly Journal of Judgment**, Volume 8, Number 25. (in Persian)

Zeraat, Abbas (1400), **Civil Procedure in the Current Legal System**, Volume 1, Fifth Edition, Tehran: Andisheh Publications. (in Persian)

Zhong, V., & Dell, T. (2024). «Explainable AI (XAI) in the Judiciary: A Path to Algorithmic Transparency». **AI & Society**, 39, 211-225.

Lawyer's Professional Responsibility in the Age of Artificial Intelligence: An Analysis of Case No. 9209970907000279 of the First Branch of the Takestan General Legal Court

Abstract

The rapid entry of generative artificial intelligence (GAI) into the field of legal services has fundamentally transformed traditional modes of legal research, advocacy, and adjudication, while simultaneously giving rise to unprecedented challenges concerning professional responsibility, judicial ethics, and the integrity of the justice system. Unlike earlier legal technologies that merely enhanced access to information, generative AI systems actively produce legal texts, analyses, and even purported judicial precedents. This qualitative shift raises critical questions regarding the allocation of responsibility when such outputs prove inaccurate, misleading, or entirely fabricated. This research examines these emerging challenges through an interdisciplinary framework that integrates legal analysis, cognitive psychology, and technological assessment. Employing a descriptive–analytical methodology, the study is grounded in a case study of a novel and controversial ruling issued by the First Branch of the Takestan General Court of Law. In this case, a practicing lawyer relied on a fictitious unanimous judicial decision generated by an artificial intelligence system and submitted it as an authoritative precedent. Upon discovery, the court undertook an extensive examination of the incident, treating it not merely as an instance of professional error, but as a symptom of deeper structural and normative issues associated with the use of AI in legal practice. The article first evaluates the formal and structural aspects of the court’s ruling. From this perspective, the judgment is commendable for its clarity, systematic reasoning, and explicit engagement with the novel phenomenon of generative AI—an area largely untouched by existing legislation and jurisprudence. The court’s willingness to confront a technologically induced legal dilemma reflects a growing judicial awareness of the transformative impact of AI on legal processes. However, the research critically examines the substantive reasoning of the judge, particularly his adoption of a “proactive” interpretive approach in the absence of explicit statutory regulation. While judicial initiative may be unavoidable in regulatory vacuums, the article argues that certain aspects of the ruling risk blurring the boundaries between adjudication and legislation, potentially undermining principles of legal certainty and separation of powers. Beyond doctrinal analysis, the study highlights the importance of psychological dimensions in understanding professional misconduct in the digital age. The findings indicate that the lawyer’s error cannot be adequately explained solely through the lens of traditional professional negligence. Rather, it is significantly influenced by well-documented cognitive biases, most notably “automation bias,” which leads individuals to over-trust algorithmic outputs, and the “Dunning–Kruger effect,” whereby limited understanding of complex systems fosters unwarranted confidence in one’s own competence. These biases are exacerbated in legal contexts where AI-generated content often mimics authoritative legal language, thereby obscuring its probabilistic and fallible nature. In light of these findings, the article argues that the conception of professional responsibility for lawyers must be recalibrated in response to technological change. Specifically, the

traditional duty of diligence has evolved into a heightened obligation to verify, validate, and critically assess the accuracy and provenance of information produced with the assistance of AI tools. In this framework, reliance on generative AI does not diminish professional responsibility; rather, it intensifies it. Finally, adopting a forward-looking and solution-oriented perspective, the research proposes a preventive framework operating at two complementary levels. At the technological level, it advocates for the development of specialized, domain-specific, and explainable legal AI systems designed to reduce hallucinations and enable traceable reasoning. At the legislative and institutional level, it calls for reforms to lawyers' codes of professional ethics, explicit guidelines on permissible AI use, and clearer delineation of the civil liability of AI designers and providers whose systems are deployed in sensitive legal environments. Overall, this article seeks to contribute to the emerging discourse on law and artificial intelligence by offering a comprehensive, interdisciplinary analysis aimed at promoting the safe, responsible, and justice-oriented integration of generative AI into legal practice.

Keywords

Artificial Intelligence, Lawyer's Professional Responsibility, Judicial Citation, Case Law, Professional Ethics, Verification.

در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited